

تبیین و تعیین مصادیق معروف و منکر در جامعه دانشگاهی

نرگس سعیدیان^۱، هاجر میرزاخانی^۲ و حمید رضا عمران پور^۳

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر یک فریضه بزرگ الهی است و بسیار مورد تاکید قرار گرفته و انجام آن بر همه مسلمانان تکلیف شده است. امر به معروف و نهی از منکر مشروط به زمان و مکان خاصی نیست. انسان خیرخواه باید همیشه خیر مردم و مسلمانان را بخواهد و خیر آنها در پیروی از مکتب حیات بخش اسلام است که از راه امر به معروف و نهی از منکر به دست می آید. با توجه به این اصل مهم اجرای این فریضه بزرگ در دانشگاه توسط کارکنان (مدیران و عوامل اجرایی)، اساتید و دانشجویان از اهمیت خاصی برخوردار است. دانشجویان که یکی از گروه‌های مهم و روشنفکر جامعه هستند که در آینده هر یک از آنها یا بسیاری از آنها در موقعیتها یا شرایطی قرار می گیرند که توجه آنان به فریضه امر به معروف و نهی از منکر تاثیر بسزایی در جامعه خواهد داشت. در مقاله حاضر سعی شده است که مصادیق معروف و منکر در جامعه دانشگاهی با روش کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد. امید است که مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: دانشگاه، مدیریت، امر به معروف و نهی از منکر، مصادیق معروف و منکر در جامعه دانشگاهی

مقدمه:

در کلیه جوامع انسانی از گذشته تا به حال، همیشه قوانینی وضع شده است تا بشر در آن بتواند زندگی توأم با امنیت و آرامش داشته باشد. هر جامعه فراخور فرهنگ و سنتهای خود قوانینی دارد که بر مبنای آن ارکان اجتماع استوار می گردد. آنچه در قوانین تمام جوامع بشری قابل توجه است وضع قانون برای جاری شدن اخلاقیات در زندگی بشر بوده که با این وسیله بشر در سایه قانون بهر مند از آسایش و امنیت گردد. قوانین الهی در این میان با در نظر گرفتن تمام ابعاد زندگی بشر، روحیات و نیازهای مادی و معنوی انسان در جهت رسیدن به سعادت و کمال حقیقی وضع شده و " نبوت " در جهت ارائه و بیان قانون الهی در میان انسانها، در مسیر تاریخ انسان جایگاهی بس رفیع دارد. در شریعت اسلام در کنار تمامی احکام و فرامین، حکمی صادر شده و تمامی افراد را در قبال هم متعهد و مسوول گردانیده که از جمله آن فریضتین امر به معروف و نهی از منکر است که از فروع دهگانه دین مبین اسلام و فقه جعفری می باشد. (صادق زاده، 1387)

^۱ - استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان

^۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان

امر به معروف و نهی از منکر، رمز پایداری و برپایی دستورات الهی، و شور و نشاط جامعه اسلامی است. با امر به معروف و نهی از منکر بی تفاوتی از میان مردم مسلمانی برداشته می شود و همه افراد در برابر یکدیگر مسئول شناخته می شوند، همه دستورات الهی برای خوشبختی و سعادت انسانها آمده است، و این سعادت زمانی رخ می نماید که به بایدها و نبایدهای الهی عمل شود. با امر به معروف و نهی از منکر به یکدیگر یادآوری می کنیم که راه سعادت و خوشبختی خود را فراموش نکنیم، بی راهه و کژراهه را انتخاب نکنیم. امر به معروف و نهی از منکر به همه ارزش ها جان می بخشد و روح و روان فرد و جامعه را به بهداشت و سلامتی فرا می خواند. امر به معروف همواره خواهان وجود و حضور زیبایی ها و خوبی ها است و مانع رشد و خود نمایی زشتی ها می گردد. (مسعودی، 1386)

امر به معروف و نهی از منکر نشانه عشق انسان به مکتب اسلام، عشق انسان به مردم، نشانه تعهد و سوز و علاقه انسان به سلامتی جامعه، تذکر و آگاه کردن افراد جاهل، نشانه رشد و نوعی انضباط اجتماعی است. در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر همین بس که علما به دلیل ارتباط قلبی انسان با آن، آن را در اصول دین؛ و به دلیل برخوردارهای عملی و اینکه یکی از واجبات است، آن را در ردیف فروع دین مطرح کرده اند. (قزائنی، 1386)

سازمان رسمی، اجتماعی دانشگاه سازمانی است که از جمله رسالتهای مهم آن به موازات تولید علم و دانش؛ تکمیل رسالتهای تعلیم و تربیت در همه ابعاد بویژه جامعه پذیری و فرهنگ پذیری و رشد و شکوفایی آن می باشد و این مهم مگر با پیاده سازی و نهادینه سازی ارزشهای فرهنگ ملی، دینی و اخلاقی و تشکیلاتی خود جامعه دانشگاهی محقق نخواهد شد به عبارت بهتر تا زمانی که دانشگاهیان ما اعم از مدیران و عوامل اجرایی، اساتید و دانشجویان خود امران به معروف و ناهیان از منکر در خود نباشند چگونه می توان انتظار داشت که این فریضتین در سازمان بزرگ اجتماعی یعنی جامعه عملی شود.

این مقاله جهت بررسی و تبیین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه به مرور مباحث در سازمان، دانشگاه، مدیریت، نقشهای کلیدی مدیر در سازمان از دیدگاه اسلام، وظایف مدیر در عصر کنونی، نظارت، نظارت همگانی و امر به معروف و نهایتاً معرفی مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه پرداخته است.

سازمان:

در این عصر، تقریباً همه امور و کارهای جامعه به وسیله سازمانها صورت می گیرد؛ گردش کار سازمانها به فعالیت فردی و همکاری گروهی مردم وابسته است؛ مردم از طریق سازمانها، کارها را موثرتر انجام می دهند؛ و چگونگی عملکرد آنها، کیفیت فعالیتهای سازمانها، و در نتیجه، چگونگی انجام امور و کارهای جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. درکل می توان گفت بخش عمده زندگی ما، در سازمانها یا در ارتباط با سازمانها سپری می شود. بعضی از سازمانها بزرگ و پیچیده اند نظیر سازمانهای دولتی، صنعتی، دانشگاهها و... و بعضی دیگر، کوچک و ساده اند نظیر شرکتهای خصوصی و انجمنهای دانشجویی.

دانشگاه مانند هر سازمان رسمی دیگری، ساخت و کار یا وسیله تحقق هدفهای خاص و مهمی برای جامعه یا بخشهای مختلف آن است. مدیریت موثر در آن، مستلزم شناخت ابعاد و جوانب گوناگون و پیچیده مرتبط با آن

است. یکی از این جوانب بسیار مهم، زمینه فرهنگی - اجتماعی است که غالباً در بحثهای مدیریت مورد غفلت قرار می گیرد.

دانشگاه:

سازمانهای آموزشی به عنوان نهادی که نقش ویژه در پرورش افراد جامعه و نیز تحولات اجتماعی ایفا می کنند باید کودکان، نوجوانان و جوانان را برای تغییرات و دگرگونیهای مداوم در جهان سراسر متحول آماده نمایند و نه تنها به صلاحیت علمی و فنی بلکه به رسالت فرهنگی خود با توجه به ساخت اجتماعی در فرهنگی بومی عمل نمایند. در این میان دانشگاهها به عنوان سازمان هایی پیچیده نقش مهمی را در جامعه ایفا می نمایند که شناخت پیچیدگی این سازمان با نقش حضور پررنگ عنصر انسانی آن به سادگی میسر نمی باشد. برای فهم پیچیدگی سازمان دانشگاه لازم است از تفکر سیستمی استفاده کرده آن را مجموعه ای پیچیده ای بدانیم که باید از درون و برون مورد بررسی قرار گیرد. (ندوش، اقارب پرست، 1387)

لیکن با توجه به هدف این مقاله بررسی همه این عوامل در چارچوب این نوشتار نمی گنجد آموزش عالی تسهیل کننده توسعه فرهنگی است و این کار را با اشاعه و تبلیغ تفکر و باز آفرینی فرهنگ و پرورش فرهنگ توسعه انجام می دهد. نهاد آموزشی در شناساندن سنن تاریخی و فرهنگی و مذهب یک جامعه و کمک به حفظ و انتقال آنها مفید است و از سوی دیگر جامعه را به سوی توسعه فرهنگی به عنوان پیش نیاز توسعه اقتصادی و اجتماعی ترقی می دهد. آموزش عالی می تواند با ایجاد تحول در نگرشها و باورهای افراد، محدودیت های فکری و فرهنگی را کاهش داده و ضمن انتقال دانش، تصمیم گیری عقلانی را جایگزین همه موانع کند. در مجموع می توان گفت دانشگاه برای تثبیت هویت فرهنگی در سه ساحت می کوشد: 1- اندیشه و صورت 2- استراتژی و روش 3- سیاست و دین

این ارتباط تنگاتنگ دانش ها با جامعه و از جمله فرهنگ جامعه باعث شده است تا کشورهایی که در معرض وابستگی های سیاسی، اجتماعی، صنعتی و . . هستند به دفاع از ارزش های فرهنگی جامعه خود برخیزند. با توجه با اینکه سیاستهای آموزشی هر جامع های نمی تواند جدا از فرهنگ آن باشد و به رشد هم برسد. نظام آموزشی باید جهان بینی و قالب های فکری جامعه را درک کرده در برقراری ارتباط و سازگاری با آن بکوشد چرا که نظام دانشگاهی هر جامعه ای در ارتباط تنگاتنگ با حوزه فرهنگی و تمدنی آن جامعه قرار دارد. (معاونت فرهنگی وزارت علوم، 1386)

فرهنگ دلالت دارد بر نحوه و روش زندگی ای که هر جامعه ای برای رفع نیازهای اساسی خود از حیث بقا و دوام و انتظام امور اجتماعی اختیار می کند. در هر جامعه ای نظامهای آموزشی بالاخص دانشگاهها در درجه اول به منظور فرهنگ پذیری بوجود می آیند. علمای اجتماعی برآن اند که هر فرهنگی، همواره ترکیبی است از عناصر باثبات و پایا و عناصری که هنوز مورد اختلاف یا بلا تکلیف یا تکامل نیافته اند. در بخش عناصر کمابیش پایا، شیوه های اصلی رفتار و کردار مثل روابط میان اعضای خانواده، طرق مرسوم و رایج کسب درآمد، طرز لباس پوشیدن، طرق کاربرد زبان، آداب معاشرت و نظایر آن قرار دارند. از مجموعه این کردارهای نسبتاً عام و مشترک، نظامهای

ارزشهایی پدید می آید که به موجب آن شیوه های رفتاری مطلوب مشخص می شوند. هر فردی می تواند به مدد این نظام ارزشها، گزینه های رفتاری را داوری کرده رفتار مناسب را انتخاب نماید. در بخش عناصر نایگانه و غالباً مورد اختلاف، یعنی نوآوریهای فرهنگی، شیوه های نوظهور رفتار و کردار قرار دارند که از مقبولیت گسترده ای برخوردار نیستند. گزینش این موارد غالباً با تنش و کشمکش یا دشواری همراه است. گروههای اجتماعی خاص ممکن است رفتارهای مقبول ویژه خود را پدید آورند که بی اختیار از سوی اعضای آنها پیروی شوند. اگر این گروهها می توانستند به صورت فرهنگهای فرعی جداگانه باقی بمانند، الگوهای رفتاری آنها مشکلی باقی نمی آورد، ولی قرار گرفتن آنها در میل سایر افراد و گروهها آنها را در تضاد با یکدیگر قرار داده، کل فرهنگ جامعه را در معرض بی نظمی و اختلال قرار میدهد. از این رو، انطباق و سازگاری با تغییرات، لازمه دوام فرهنگی است. به طور کلی، وقتی که ارزشها و الگوهای کانونی فرهنگ که از عناصر پایا تشکیل شده اند، در مقایسه با عناصر نایگانه یا نوآوریها، از حجم و استحکام بیشتری برخوردار باشند، تضادهای حاصل چندان جدی و زیاد نیستند. برعکس، وقتی که عناصر جدید بر عناصر کانونی فزونی می یابند، تضادهای حاصله، دامنه دار، پرشمار و جدی تلقی می شوند.

نظام آموزشی ضمن تحکیم بخشی به عناصر و ارزشهای پایا به منظور حفظ هویت و یگانگی فرهنگی به تشخیص و شناسایی نوآوریها و گزینه های رفتاری جدید پرداخته، زمینه انطباق معقول با آنها را فراهم می سازد. طبیعی است که نقش مدیریت در این ماجرا، ایجاد شرایط و امکانات مناسب از طریق حل تضادها و دشواریها و جهت دهی و هدایت آموزش است. (علاقه بند، 1379)

دانشگاهها به عنوان نهادهای سنجیده و عقلانی دارای هدفهای روشن و برنامه مشخصی هستند بنابراین وظایف و فعالیتهای مهم و کلیدی آن باید به افراد شایسته و صاحب صلاحیت سپرده شود. بنابراین نیاز به مدیران شایسته و اثربخش در سطوح مختلف دانشگاهها از دغدغه های مهم سیاستگذاران فرهنگی می باشد زیرا بدون مدیریت و رهبری موثر نمی توان پاسخگوی نیازهای دانشگاهها بود و در روند مسائل فرهنگی آن دانشگاهها دچار بحران خواهند شد.

یکی از مشخصه های بارز و یک ویژگی مهم یک مدیر شایسته فرق گذاری بین خوب وبد و زیبا و زشت و روا و ناروا است، که از روحیه جمالگرایی و کمالگرایی و جمالخواهی و خیرخواهی نشات می گیرد. اگر این روحیه در سازمانهای بزرگ و پیچیده ای مانند دانشگاه بمیرد دیگر خوب وبد یکسان ارزیابی شده و زمینه های رواج فساد و رذائل در آن بوجود می آید. بنابراین برای اینکه دانشگاهها به چنین مسائلی نرسند همه اعضای آن از جمله کارکنان (مدیران و عوامل اجرایی)، دانشجویان و اساتید همه باید احساس مسئولیت کرده یکدیگر را به معروفها دعوت کنند و از منکرات نهی کنند، بعبارت بهتر وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک شیوه نظارتی در دانشگاه فرهنگ سازی شود، قرآن در یک خطاب عمومی: (یا ایها الذین آمنوا لاتتبعوا خطوات الشیطان فانه یامر بالفحشا و المنکر...) همه اهل ایمان را موظف می کند که نگذارید از کامها و نقشه های شیاطین تبعیت شود، نباید این تبعیت انجام گیرد، زیرا شیطان امر به فحشا و منکر می کند، تبعیت بعضی با عامل و بعضی با گفتار و بعضی با سکوت است.

اسلام از یک طرف به پیروان خود فرمان می دهد که برای همه مردم خیرخواه باشید، برای همه مردم نیکو بگویید و نیک بخواهید از طرف دیگر بی تفاوتی نسبت به هیچکس را روا نمیدارد، بخصوص نسبت به مسلمانان؛ پیامبر اسلام (ص) مکرر می فرمود: هرکس صبح برخیزد و به مسلمانان اهمیت ندهد مسلمان نیست. با توجه به نقش کلیدی مدیر در سازمانها در فرهنگ سازی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر نیز بیش از هرکس دیگر می توان از مدیریت سازمان انتظار داشت.

مدیریت:

شاید یکی از مهمترین فعالیتها در زندگی اجتماعی بشر امروز را بتوان مدیریت دانست. در عصر حاضر به مدد این فعالیت است که ماموریتها و اهداف سازمانها تحقق می یابند، از منابع و امکانات موجود بهره برداری می شود و توانایی و استعداد انسانها از قوه به فعل در می آید. مدیران در انجام وظایف خود فرایندی را دنبال می کنند که شامل اجزایی چون برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل، انگیزش، ارتباطات، هدایت و تصمیم گیری است. مجموعه این فعالیتهاست که مدیریت را شکل می دهد و هماهنگی و نیل به هدفها را میسر می سازد. (الوانی، 1373)

مدیران علاوه بر درک مسائل و مشکلات کار خود باید از لحاظ شخصیتی مستعد و پایبند اصول و موازین، فرهنگی، دینی، اخلاقی و حرفه ای باشند تا بتوانند از کج رویها و انحرافات در محیط دانشگاه جلوگیری نمایند و با رفتار و کردار خود نمونه و سرمشق کارکنان و دانشجویان باشند. مدیری که خود مقید به اصول و موازین اخلاقی و فرهنگی (ملی، دینی) و حرفه ای باشد به منزله درمانگری دلسور است که می خواهد دردهای روحی و روانی اعضای سازمان خود را درمان کند و هیچگونه چشم داشتی نخواهد داشت جز رضایت خدای متعال، این چنین مدیری با این روحیه در واقع لایق این منصب و ماموریت که ادامه راه انبیاء است خواهد بود. معارف متعالی اسلام به ما می آموزد که یکی از شرایط عهده داری این وظیفه آن است که مجریان با رفق و مدارا عمل کنند و با بروز روحیه مدارا و خیرخواهی زمینه پذیرش آنها فراهم کنند. امام صادق (ع) می فرماید: کسی امر به معروف و نهی از منکر می کند که خود به گفته اش عمل کند و در امر و نهی عدالت بورزد و رفق و مدارا را به کار گیرد.

نقشهای کلیدی مدیر در سازمان از دیدگاه اسلام:

نقش تربیتی مدیر:

تاثیری که مدیر بر روح و روان همکاران خود دارد، موقعیت تربیتی او را هرچه بیشتر می سازد آنان که در یک مجموعه با مدیر کار می کنند و از او دستور می گیرند، خواه نا خواه تا حد قابل توجهی تحت تاثیر او قرار می گیرند و رفته رفته برخوردها و موضع گیریهای مثبت و منفی مدیر جنبه سمبل و الگو پیدا می کند و به مقدار نفوذی که در روح افراد دارد آنان را می سازد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که یکی از نقشهای مدیر، در رابطه با اطرافیان خود نقش تربیتی است.

پیشوایان و مدیران جامعه هستند که با هدایت های خود موجبات سعادت و شقاوت انسانها را فراهم می سازند، رفتارها و کردارها، خصلتهای زشت و زیبایشان چنان جانها را تحت تاثیر قرار می دهد که گویا افراد تحت نظر آنها

نسخه دومی از مدیران می باشند، با همان خصلتهای متأثر از مدیران و رهبران خود زندگی می کنند و با همان خصلتها می میرند و همچنان در جهان آخرت زنده می شوند.

امام صادق (ع) فرمودند: لکل زمان و امه امام تبعث کل امه مع امامها": برای هر زمان و امتی، امام و پیشوای خود در روز قیامت برانگیخته خواهد شد. برخی از روایات به اثر حرکت‌های مثبت و منفی مسولان بر زمان اشاره می کند و می گوید نه تنها برخوردها و انگیزه های رهبری و مدیریت بر انسانها تاثیر می گذارد بلکه زمان را هم تغییر می دهد. (تقوی دامغانی، 1379) نمونه های تاریخی ما را با این واقعیت، بهتر و بیشتر آشنا می سازد که تاثیر تربیتی مدیران و مسولان، بر فرهنگ و اخلاق جامعه تا چه اندازه، کارساز و عمیق است، بطوریکه اعمال و شیوه های رفتارهای یک ملت را، باید آئینه ای برای انعکاس رفتار مدیران بحساب آورد.

نقش محوری مدیر:

از خصوصیات آنکه با مسند و منصب مدیریت درآمیخته و مدیر را هرگز گریزی از آن نیست محوریت است. دراین مورد می توان ادعا کرد که هرگاه محوریت را از مدیریت جدا کنیم، چیزی به نام مدیر و مدیریت وجود نخواهد داشت. برای تقریب ذهن و بیان اهمیت محوریت در مدیریت، می توان از یک مثال کمک گرفت و چنین گفت که اگر تشکیلات و سازمانها را به صورت دایره ای بر صفحه ذهنمان ترسیم کنیم، مدیر، در نقطه مرکزی دایره قرار دارد و با شعاع یکنواخت نسبت به کل دایره ارتباطی یکسان برقرار می کند و درواقع این مدیریت است که پرگار تشکیلات را بر محور وجود خویش به حرکت در می آورد.

حضرت علی (ع): مدیریت را به رشته ای که از وسط دانه های تسبیح می گذرد تشبیه می نماید و می فرماید: " و مکان القیم بالامر مکان النظام من الخرز یجمعه و یضمه، فاذا انقطع النظام تفرق الخرز و ذهب ثم لم یجتمع بحذ فیره ابدأ " نقش مدیر و زمامدار کشور همانند رشته ای که از وسط مهره ها گذشته و آنرا در یک محور گردآورده و بیکدیگر پیوند زده، می باشد، هرگاه این رشته پاره شود مهره ها عامل ارتباط را از دست داده و پراکنده خواهند شد و با گسستن آن رشته، دیگر زمینه ای برای گردآوری وجود ندارد. بنابراین محوریت یکی از ویژگیهای است که باید مدیر آنرا در خود حفظ کند. نقش خویش را با توجه به تاثیر محوریت در مدیریت، بخوبی ایفا نماید.

نقش بنیادی مدیر:

هرگاه سازمان و تشکیلات را، در یک تشبیه بمنزله ساختمانی به حساب آوریم مدیریت بنیان و اساس این بنا را تشکیل می دهد. ریشه های هر سازمانی بر زمین اندیشه مدیریت استوار می گردد و بار سنگین مسولیتها، بردوش جان مدیر سنگینی می کند و در نهایت مدیر است که باید این بار گران را تا سر منزل مقصود حامل باشد قرآن کریم مسولیت هدایت و مدیریت را در حوزه رسالت پیامبر اسلام بس سنگین و کمرشکن معرفی می کند و می فرماید: " الم نشرح لک صدرک، ووضعنا عنک وزرک، الذی انقض ظهرک ": ای پیامبر آیا ما بتو شرح صدر عطا نکردیم؟ و بار سنگینی که کمر تو را می شکست از دوش جانت برداشتیم.

مدیر حالت اسبی را دارد که کالسکه تشکیلات را با همه سرنشینانش، به دنبال خود، بطرف مقصود می کشاند و لذا هر نوع نارسایی و کندی، لغزش و انحرافی در واحدهای مختلف آن سازمان متوجه مدیریت است و اگر شانه مدیر قدرت کشیدن این بار را نداشته باشد موفقیت و پیروزی تضمین نخواهد شد. (تقوی دامغانی، 1379)

وظایف مدیر در عصر کنونی:

عصر حاضر را عصر دانش نامیده‌اند بشر، نود درصد از سرمایه‌های علمی و توانمندی‌های اطلاعاتی خود را در این عصر به دست آورده است؛ بنابراین جامعه آینده را "جامعه دانش بر" یا "جامعه نرم افزاری" یا "جامعه اطلاعاتی" نام نهاده‌اند. دنیای فردا، دنیایی است که در آن "فناوری اطلاعات حرف اول را خواهد زد و تولید دانش مهم ترین منبع تولید ناخالص ملی خواهد بود. ما امروزه در وادی بی کران هزاره سوم گاه نهاده ایم که در آن مرزها و حدود جغرافیایی رنگ می‌بازد و به صورت دهکده جهانی در می‌آیند و انسانها از هر ملک و ملت چون خانواده ای گردهم می‌آیند و پدیده جهانی شدن را تجربه می‌کنند پدیده جهانی شدن، عناصر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را تحت تاثیر قرار داده است. رقابت جهانی شدن از ویژگی های مهم جهانی شدن است؛ بنابراین ملت هایی موفق تر و تواناترند که داناتر باشند. اگر می‌خواهیم همگام با تحولات جهانی گام برداریم و یا پاسخی به حداقل انتظارات نسل امروز بدهیم باید متناسب با مفاهیم و ارزشهای داخلی، روندهای جهانی را دنبال کنیم و کشور را از تنگناهای مختلف نجات بدهیم. (حیدری تفرشی و همکاران، 1381)

امروزه مباحث رشد جمعیت، شهرنشینی، صنعتی شدن، مدرنیزه شدن، جنبش های اجتماعی، جهانی شدن و گسترش ارتباطات در تغییرات عمده اجتماعی کنونی از جمله موضوعات مورد توجه بوده به طوری که جوامع باید این واقعیات را پذیرفته و برای آن برنامه ریزی داشته باشند. پیشرفت علم و تکنولوژی باعث تغییر در ارزش ها و هنجارها شده و انسان با توجه به مقتضیات زمان باید بتواند با شرایط جدید زندگی کند. نکته قابل توجه این است که آیا با تحولات سده اخیر، در فرایض دینی از جمله امر به معروف و نهی از منکر هم تغییرات ایجاد شده است؟ در پاسخ باید گفت: شیوه های جدید تعلیم و تربیت، رسانه ها و ویژگی های مخاطبین از عواملی هستند که چگونگی انتقال پیام و امر و نهی را تعیین می‌کنند. بنابراین باید به شکل امروز و شیوه های تاثیر گذار اقدام شود تا در فرد تاثیر داشته باشد و به عمل در آید، البته چگونگی آن را مجتهد تعیین و مقلدان انجام می‌دهند. جذابیت عمل و فریضه باید حفظ و با شرایط انطباق داده شود تا ضمن حفظ اصل دستور و انجام عبادت، رغبت به پذیرش آن هم ایجاد گردد.

دانشگاه به عنوان یک سازمان رسمی نقش مهمی در این امر مهم دارد. زیرا جوانان خیلی زودتر از خانواده‌ها به تکنولوژی روز و نهادها و جامعه راه می‌یابند و کمتر در محدوده‌ی خانواده قرار دارند بنابراین رسالت دانشگاه بسیار مهم و کلیدی به شمار می‌رود که با یاددهی موازین و اصول دینی و اخلاقی و فرهنگی به دانشجویان و ترویج فرهنگ نظارت همگانی در دانشگاه می‌تواند آنها را از خطری بزرگ بازدارد که این کار با امر به معروف و نهی از منکر به جا و به موقع و منطقی عملی خواهد شد. امر به معروف و نهی از منکر یکی از شیوه های نظارتی، ازدیدگاه اسلام است که یکی از پایگاهها و جایگاهها بسیار مهم و مناسب به منظور فرهنگ سازی در زمینه آن در دانشگاه و دانشگاهیان اند.

نظارت:

نظارت و کنترل یکی از ارکان مدیریت به شمار می آید و مدیر بعنوان یکی از وظایف اصلی خود باید شیوه ها، امکانات و عملیات گوناگون تشکیلات را زیر پوشش نظارتی قرار دهد تا حرکت دستگاهها، عملیات و فرایندهای گوناگون سازمان با انحراف از ملاکها و موازین موجود به هرز نرود. نظارت بزرگ سازمان را می توان با شیوه ها و وسائل گوناگون و از راههای مختلف انجام داد و برای هر کدام از این شیوه ها ی نظارتی نامها و تقسیم بندیهای متناسبی را انتخاب کرد که در اینجا به دونوع نظارت توجه می شود

1 - نظارت مستقیم: نظارت مستقیم آن است که مدیر بدون هیچ گونه واسطه ای بر کار دستگاهها و نوع فعالیتها ناظر باشد. از ریز ترین تا درشتترین مسائل را کنترل کند و شخصاً مراحل گوناگون نظارت را بپیماید. اسلام نظارت مستقیم را به آن مفهومی که مدیر بخواهد در جزیی ترین مسائل تشکیلاتی شخصاً ناظر باشد هرگز نمی پسندد و از چنین نظارتی مدیران سازمانهای خود را شدیداً برحذر می دارد، زیرا این آیین آسمانی را اعتقاد براین است که هر چه مدیر به کارهای فرعی و جزیی مشغول شود از کارهای اصلی و کلی که بمنزله ریشه های جریانات هستند غافل می ماند.

2 - نظارت غیر مستقیم: نظارت غیر مستقیم آن است که مدیر از طریق عوامل و دستگاههای مختلف که بمنزله چشمهای او می باشند، کار نظارت بر سازمان را انجام می دهد، او با یک و یا چند واسطه که از هر جهت مورد اعتمادش هستند گزارشهای مثبت و منفی را می گیرد و در یک جمع بندی کلی وظایف نظارتی خویش را یا مستقیماً و یا از طریق عوامل فعال در سیستم نظارت اعلان می دارد، و این موج نظارتی بطور مداوم همانند رودی که از فکر و اندیشه مدیر سرچشمه می گیرد به دشت سازمان و درون واحدهای آن جریان پیدا می کند. اینگونه نظارت ذهن مدیر را از جزئیات پر نمی کند و او را به طرف انجام " تکلیف مالا یطاق " نمی کشاند و فرصت لازم را برای انجام مسئولیتها ی دیگر مدیریت، باقی می گذارد و در نتیجه زمینه های ناکامی را از بین برده و موفقیت و پیروزی را به ارمغان می آورد. (تقوی دامغانی، 1379)

در حالی که احتمال می رود در بعضی از مسائل و موقعیتها نظارت مستقیم و در موارد متعدد دیگری نظارت غیر مستقیم مدیر لازم باشد لیکن جهت موفقیت و تعالی سازمان این نوع نظارتها کافی نمی باشد. برای حفظ اجتماع، از فساد و انحراف و سقوط، نظارت عمومی و در بعضی موارد نظارت گروهی خاص لازم است تا برآنچه در جامعه می گذرد، کنترل داشته باشد و جامعه و فرد را از رفتن به سوی فساد و انحراف و انحطاط حفظ نماید. این موضوع در اسلام بعنوان یک وظیفه مهم و همگانی تحت عناوین " امر به معروف " و " نهی از منکر " بیان گردیده و به عنوان دو اصل عملی مهم در اعمال فردی مسلمین منظور گردیده است و اهمیت آن تا جایی است که در کنار وظایفی همچون نماز، روزه و حج و . . قرار گرفته است و سید شهیدان حضرت اباعبدالله . الحسین (ع) نیز فلسفه قیام خونین کربلا را عمل به این وظیفه خطیر اعلام نمودند. (محبی، 1382)

بنابراین در سازمان مهم و حیاتی برای جامعه همانند دانشگاه نباید از این امر مهم غفلت کرد. همانطور که قبلاً گفته شد یکی از رسالتهای مهم دانشگاه رشد و اعتلای اجتماعی و فرهنگی جامعه می باشد زیرا فرد از طریق رشد اجتماعی و پذیرش الگوهای رفتاری جامعه، از رفتار انحراف آمیز پرهیز می کند.

نظارت همگانی:

اسلام مسئله نظارت را تنها وظیفه دستگاه حاکمه و یا شخص حاکم و مدیر نمی داند، بلکه به کلیه مردم بعنوان قانون شرعی و تکلیفی الهی آموزش می دهد که نسبت به سرنوشت یکدیگر علاقه نشان دهند و تبلور این علاقه و ایمان را در قانون امر به معروف و نهی از منکر بنمایش می گذارد، چنانچه خداوند در قرآن مجید می فرماید: المومنون والمومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر: مردان و زنان با ایمان بعضی ناظر و سرپرست بر بعض دیگر هستند به این معنا که همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

در جامعه اسلامی هر فرد مسلمانی موظف است که به صلاح امور دیگران قیام کند و با تبلیغ و تشویق خوبیها را گسترش و از بدیها جلوگیری به عمل آورد.

اسلام با وضع قانون امر به معروف و نهی از منکر سیستم نظارتی و کنترل فراگیری را بوجود می آورد که براساس انجام واجب الهی فرد را تکلیف می کند تا حرکتهای مثبت و منفی دیگران را زیر نظر بگیرد و در موارد لازم عکس العمل مناسب را در زمینه تایید و یا تخریب نشان بدهد. مدیر اسلامی با اعتقاد به اصل زنده و متری امر به معروف و نهی از منکر می تواند نظارت و کنترل را در سطح کلیه واحدهای سازمان بنحو بسیار شایسته ای انجام دهد و به جای اینکه خود و یا ماموران ویژه اش ناظر باشند با ترویج و تبلیغ این اصل هر یک را ناظر بر کار دیگری قرار بدهد. (تقوی دامغانی، 1379)

طرح نظارت همگانی در قرآن کریم و در احادیث و متون فقهی و دینی ما با عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح گردیده است. براساس این طرح هر فرد مسلمانی ملزم است در مورد اعمال، گفتار و رفتار برادر و خواهر مسلمان خود بی تفاوت نباشد و در چارچوب ضوابطی که تعیین شده است به وظایف و تکالیف خود در قبال دیگران عمل نماید. بدون شک اجرای دقیق و صحیح این فریضه همانگونه که مد نظر شارع مقدس بوده است، باعث اصلاح، رشد و تعالی مادی و معنوی مسلمانان می گردد. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: " کلکم راع و کلکم مسوول عن رعیتة ": تمام شما به منزله نگهبان و شبان یکدیگر هستید و تمام شما نسبت به همدیگر مسوولید. (منصوری، 1383)

امر به معروف و نهی از منکر:

معروف: هر کار نیکی است که علاوه بر نیکی آن، انجام دهنده اش، آنرا به این وصف (نیکی) بشناسد و یا توسط دیگری، به این عنوان شناسانده شود. در واقع واژه معروف چیزی است که عقل و فطرت پاک، آن را به نیکی بشناسد.

منکر: منکر از ماده انکار و نکر به معنی ناشناخته، زشت و پلید است که جمع آن منکرات و مناکر می باشد بنابراین منکر نام کاری است که شرع و عقل آن را ناپسند بشمارند. (محبی، 1382)

به رفتار و گفتار خوب و پسندیده، معروف و به رفتارها و گفتار زشت و ناپسند منکر گفته می شود، وادار کردن دیگران به رفتار و گفتار خوب، امر به معروف و بازداشتن دیگران از رفتار و گفتار زشت را نهی از منکر می گویند برخی از دلایلی که در ذکر ضرورت امر به معروف و نهی از منکر می توان برشمرد عبارتند از:

الف: حفظ و ثبات زندگانی اجتماعی، به حفظ و قوانین و ارزش ها وابسته است و با امر به معروف و نهی از منکر، مردم به قوانین و ارزش ها پایبند خواهند بود.

ب: با امر به معروف و نهی از منکر، فضای جامعه، فضایی آکنده از معنویت و نشاط و شادابی خواهد بود، زیرا زمینه رشد و کمال انسانها را فراهم می آورد.

ج: ترک امر به معروف و نهی از منکر، به مفهوم بی توجهی به سرنوشت جامعه و آسیب پذیر ساختن آن در برابر خطرهای تهدید کننده است. (مسعودی، 1386)

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب دینی و در زمره ی فروع دین هستند. دیگران را به کار نیک دعوت کردن و از کار بد بازداشتن از مسئولیت پذیری انسان سرچشمه می گیرد. زیرا در اسلام هیچ کس بدون مسوولیت نیست چرا که راه فرد از درون جامعه می گذرد. این دستور در کنار نماز و روزه و سایر عبادات جهت سعادت فرد و جامعه آمده و جزو احکام عملی دین اسلام است. سهل انگاری در ادای این وظیفه موجب تباهی جامعه و افراد می شود. در وجوب امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه ای فردی و اجتماعی، امام محمد باقر (ع) می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر دو خلق مخصوص خداست. پس هرکس این دو رفتار را انجام دهد خداوند نیز او را یاری می کند و هر کس این دو را خوار بشمارد، خداوند او را خوار می نماید. در بهرمندی از امر به معروف، پیامبر اعظم (ص) می فرماید: آن که به کار نیک فرمان دهد مانند کسی است که آن را انجام دهد.

انسان از یک طرف دارای گزینه و نیازهای مختلف است و برای رفع نیازها به همراهی دیگران نیاز دارد و گزینه نیز علت رفتارهای نسبتاً مشابه در جامعه است، از طرف دیگر گزینه با تعلیم و تربیت قابل کنترل و هدایت است. وراثت به عنوان ظرفیت و پتانسیل اعمال و محیط و فرهنگ و تعلیم و تربیت و جامعه پذیری به عنوان به فعلیت رسان این استعداد بالقوه و ذاتی است. بنابراین روابط اجتماعی، هسته ی جامعه شناسی و صحت و سلامت آن به دیگر عوامل انسانی و محیطی بستگی دارد. (بسبج و همکاران، 1387)

مصادیق معروف و منکر در جامعه دانشگاهی:

آنچه مسلم است تعریف معروف و منکر و مصادیق آن به معنای اعم آن در جامعه مشترک است لیکن بخشهای مختلف اجتماع مثل دستگاهها و نظامهای آموزشی، درمانی، تجاری، بازرگانی و غیره متفاوت است. آنچه در این مقاله مورد بحث است معروف و منکر در جامعه دانشگاهی و معرفی مصادیق آن است. که البته این مصادیق در ارتباط با سه گروه انسانی عمده در این سازمان شامل: (کارکنان (مدیران و عوامل اجرایی)، اساتید و دانشجویان) مطرح می باشد.

مصادیق معروف در دانشگاه را می توان به معروفهای اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و سیاسی دسته بندی کرد. که البته بعضی از این معروفهای می تواند بین سه گروه (کارکنان، مدیران و عوامل اجرایی، اساتید و دانشجویان) مشترک باشد و شامل هر سه گروه بشود و بعضی دیگر از معروفها خاص هر گروه باشد.

معروفه‌های اخلاقی: معروفه‌های اخلاقی که می‌تواند بین سه گروه (کارکنان (مدیران و عوامل اجرایی)، اساتید و دانشجویان) مشترک باشد عبارتند از:

1- رازداری: هر انسانی در زندگی خویش، خواه ناخواه اسراری دارد که بایستی در نگه داری آن کوشا باشد. مقوله رازداری فضیلتی اخلاقی به شمار می‌آید. امیرمومنان(ع) می‌فرماید: «پیروزی، به محکم کاری بسته است و آن هم به اندیشه بستگی دارد و اندیشه نیز به نگه داری رازهاست». حفظ اسرار را باید از خدا آموخت. خداوند بیش و پیش از هر کس، از اعمال و عیوب و گناهان بندگان باخبر است، اما بردباری و پرده پوشی و رازداری او بیش از همه است. (محبی، 1387)

2- توکل به خدا: از دیگر معروفه‌های اخلاقی که هم اساتید، کارکنان و دانشجویان همگی باید انجام دهند توکل به خدا میباشد زیرا توکل به معنای تکیه کردن به خدایی است که بهترین تکیه گاه است و باید دانست که با توکل به خدا انسان پشتوانه‌ی محکمی دارد و در تمام مراحل زندگانی موفق می‌شود. وقتی انسان بدانند به خدا توکل کرده که قادر و تواناست و از همه چیز آگاهی دارد اولین اثری که بر او می‌گذارد مسئله‌ی اعتماد به نفس و مقاومت در برابر مشکلات است.

3- توبه و پشیمانی از گناه: همه انسانها زمانی که از مادر زاده می‌شوند با فطرتی پاک قدم به این دنیا می‌گذارند به گونه‌ای که اگر این انسان در محیطی سالم چه از نظر عقیدتی یا اخلاقی پرورش یابد انسان وارسته‌ای خواهد شد. اما همین انسان در طول زندگی به خاطر ناسالم بودن محیط خانواده یا اجتماع و جمع دوستانش یا به خاطر تعالیم غلط و یا به خاطر برآوردن نیازهایش که می‌خواهد یک شبه ره صد ساله را بیامد به دلیل نداشتن پشتوانه اعتقادی سالم، راه خطا را در پیش می‌گیرد، اما وقتی که متوجه سیاهکاریهایش می‌گردد تصمیم به برگشت از راههای رفته غلطش می‌گیرد که این همان آغاز تولد وی می‌باشد که به اصطلاح توبه معروف است. البته لازم به توضیح است که خوداری از بدیها و گناهان خیلی بهتر از بدست آوردن کمالات است و در حدیثی آمده که اگر عمل صالح انجام نمی‌دهید پس گناه نکنید، زیرا کسی که بنا می‌کند و خراب نمی‌کند بنایش بالا می‌رود هر چند کم باشد و کسی که بنا می‌کند و خراب می‌کن بنایی ندارد.

4- جهاد با نفس در برابر محرّمات: نخستین گام در طریق تربیت و تهذیب، مجاهده است: یعنی تلاش در جهت رفع موانعی که سد راه کمال انسان است و بدون آن هر نوع تربیتی بی‌حاصل است. از ویژگیهای تربیت دینی آن است که بیش از آنکه از بیرون به تربیت انسان پردازد، خویشتن فرد را به وی می‌نمایاند و ضعفها و قوتهايش را بدو گوشزد می‌کند تا خود جوش در تکاپوی رشد و تزکیه باشد و موانع را از میان بردارد. مجاهده دوگونه است درونی و بیرونی (جهاد با نفس و جهاد با دشمن بیرونی) که هر دو نقش تربیتی و انسان سازی دارد. (رهبر، رحیمیان، 1387)

5- خشوع و خضوع قلب در نماز: این یکی از صفات برجسته مومنان است و به معنای حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می‌شود و آثارش در بدن ظاهر می‌گردد. قرآن خواندن نماز را نشانه مومنان نمی‌شمارد بلکه خشوع در نماز را از ویژگیهای آنان می‌شمارد،

6- امید به آینده روشن: در اسلام، امید و آرزو جایگاه رفیعی دارد؛ تا جایی که در روایات معصومان (علیهم السلام) از امید به عنوان «رحمت الهی» یاد شده است. پیامبر (ص) می فرماید: امید و آرزو برای امت من رحمت است؛ و اگر امید و آرزو نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی داد و هیچ باغبانی نهالی نمی کاشت. بنابراین، اگر انسان انتظار و امید چیزی را دارد، باید خود را برای استقبال از آن آماده کند. کسی که ادعا می کند انتظار چیزی دارد و اثری در عمل او نمایان نیست در واقع به ادعای دروغینی دست زده است.

معروفهای اخلاقی خاص کارکنان (مدیران و عوامل اجرایی) و اساتید:

1- شجاعت و صلابت: یکی از صفات بسیار مهم که مهم ترین کلید های پیروزی و اساسی ترین پایه های سربلندی و عزت انسانها در همه عرصه ها محسوب می گردد صفت شجاعت است که شهادت و صلابت از شاخه های آن می باشند. در میان پیشینیان علمای اخلاق، شجاعت را از ارکان اصلی فضایل می شمردند و ضد آن جبن و ترس را از پست ترین رذایل می دانستند. شجاعت مصداقهای زیادی دارد از جمله: شجاعت در میدان سیاست، شجاعت در مقام قضاوت، شجاعت در ابزار مسایل علمی و منطقی، شجاعت در امر به معروف و نهی از منکر، شجاعت در بیان حق و به طور کلی، شجاعت در برابر هوسهای نفسانی. (محمدی اشتهاری، 1386)

2- اخلاص در عمل: اخلاص در تضاد با ریا می باشد. و به معنای خالص کردن عمل و نیت برای خدا است برای مثال انجام کار برای خدا، انجام عبادت برای خدا، درس دادن یک استاد به دانشجویان برای رضای خدا، امر به معروف و نهی از منکر کردن برای رضای خدا، به جا و منطقی قضاوت کردن برای رضای خدا و... می باشد.

3- داشتن خلیق نیکو: از ویژگیهای کارکنان یک سازمان داشتن خلق نیکو است خوش خلقی در ناملایمات و مشکلات سبب می شود تا معضل بهتر و سریعتر حل و فصل شود. در حالت عادی بشاش بودن کار سختی نیست در ناملایمات است که اخلاق حسنه زایل می شود یک مدیر بد خلق به هنگام بروز ناملایمات است که همکاران و مشاوران خود را دچار ناهنجاری می کند. به دست آوردن دلها با زور میسر نمی شود. در اثر اخلاق خوب است که نیروهای خوب جذب می شوند.

معروفهای اخلاقی خاص دانشجویان:

1 - احترام به استاد و مسوولین 2- زودتر از استاد در کلاس درس حاضر شدن 3- رعایت ادب و نزامت در برابر استاد

معروفهای اجتماعی:

انسان موجودی است که برای بقاء حیات و رشد ابعاد وجودی خویش و رفع نیازهایش ناچار است که بصورت اجتماعی زندگی بکند و برای جلوگیری از هرج و مرج و فساد در اجتماع لازم است که بر جامعه قوانینی وضع گردد تا افراد جامعه بتوانند با رعایت این قوانین و بدور از انحرافات اجتماعی در کنار هم زندگی کنند خداوند متعال جهت برآوردن این نیاز فطری، قوانین فراگیر توسط پیام آوران خویش به مردم رسانده است. عمل به این

وظایف و قوانین علاوه بر اینکه بقاء و انسجام واقعی جامعه را دنبال خواهد داشت، باعث سعادت فردی نیز می گردد از این رو باید گفت سعادت فرد از سلامت جامعه جدا نیست و سلامتی جامعه نیز در گرو دوری از انحرافات اجتماعی و مفاسد اداری می باشد. (مجبی، 1382)

برخی از معروفهای اجتماعی که بین سه گروه (کارکنان، اساتید و دانشجویان) مشترک است عبارتند از:

1- سبقت در کار خیر: یکی از فضایل اخلاقی را میتوان سبقت گرفتن در کارهای خیر برشمارد. سبقت در کارهای شایسته از ملاکهای کمال است. کار خیر زمانی ارزش بیشتری دارد که زودتر انجام گیرد و انجام دهنده آن به انجام آن مغرور نشود.

2- مشورت: اسلام به عنوان مکتبی جامع و همه‌جانبه‌نگر به تمام ابعاد وجودی و نیازهای انسان توجه کرده است. یکی از مسائل مهم و ارزشمند در گستره زندگی اجتماعی، تعامل، همفکری و مشورت است. دین اسلام به لحاظ جامعیت، بالندگی، سعادت‌بخشی و پویایی که در قوانین و آموزه‌های خود دارد، به همفکری و مشورت توجه ویژه‌ای نموده و اهمیت، جایگاه و فواید آن را گوشزد نموده است.

در فرمایشات پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) به افراد توصیه شده است تا با اشخاص عاقل مشورت کنند و از فکر و نظر آنان بهره‌گیرند و از مشورت کردن با افراد جاهل بر حذر باشند.

3- سفارش یکدیگر به صبر و رحمت: قرآن مجید می‌فرماید: یکی از صفات اهل ایمان مهر و محبت و سفارش به صبر و رحمت و مهرورزی به یکدیگر است: «ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ». علاوه بر [انجام] این [تکالیف]، از کسانی باشد که ایمان آورده‌اند و یکدیگر را به صبر و مهربانی سفارش کرده‌اند.

معروفهای اجتماعی خاص کارکنان (مدیران و عوامل اجرایی) و اساتید:

1- تنبیه مجرمانی که امنیت را برهم می‌زنند: آنچه مجازات در اسلام بر آن مبتنی است، عبارت است از اصلاح و تربیت بزهکار و رحمت و احسان به او و جامعه، از این رو اسلام شان و شخصیت مجرم را نیز، جز در مواردی، مورد توجه قرار می‌دهد. اگر مجازات موجب منع مجرم از ارتکاب دوباره جرم و عبرت دیگران گردد، مصلحت فرد مجرم و جامعه تحقق می‌یابد و نیز ممکن است موجب گردد که مجرم به اشتباه خویش پی برده و وجدان و ایمانش بیدار گردد و به توبه روی آورده و پس از آن به گناه و ارتکاب جرم آلوده نشود.

2- شایسته‌سالاری: شایسته‌پروری، یکی از مباحثی است که اگر در هر سیستمی به اجرا درآید، حاصلش به طور حتم توسعه، سازندگی و شکوفایی در همه زمینه‌ها اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و سیاسی می‌شود. یک نظام شایسته‌سالار کمک می‌کند تا سازمانها به اهداف خود نائل آیند و زمانی که ساخت سازمانی به شیوه مطلوبی انجام پذیرفته باشد، افرادی که عملکرد خوب و مثبتی داشته‌اند پاداش خود را دریافت کرده و سازمان را ترک نخواهد کرد.

3- قدردانی همه جانبه زحمات دیگران: از جمله اساسی‌ترین و زیر بنای‌ترین مسائلی که باعث دوام و استحکام روابط می‌گردد تشکر و سپاسگزاری از فرد یا افراد مقابل در ازای لطفی است که نسبت به ما روا داشته‌اند. در آیین اسلامی نیز نیکی کردن و قدردانی از خدمات دیگران بسیار مورد تأیید است. به نحوی که در احادیث آمده است کسی که از فردی که برای او کاری انجام داده است قدر دانی نکند از خدای خویش قدردانی ننموده است. با

قدردانی از زحمات و محبت‌های دیگران به آنان می‌فهمانیم که تلاش‌های آنان بیهوده صورت نگرفته است و ما قدر تلاش‌های آنان را می‌دانیم. (معاونت فرهنگی، 1386)

4- وفای به عهد و پیمان: پیمان شکنی علاوه بر زیان فردی، زیان اجتماعی نیز دارد. اثر فردی آن این است که خشم خدا را برای پیمان‌شکن در بر دارد و او را از رحمت حق دور می‌کند و از نظر اجتماعی پیمان‌شکن در چشم مردم بی‌ارزش و از احترام او کاسته می‌شود. پیمان‌شکنی مایه‌ی سلب اعتماد از یکدیگر شده و اتحاد و یگانگی را از بین می‌برد.

5- سعه صدر: یکی از صفات اساسی و لازم برای مدیریت، بردباری و سعه صدر است. سعه صدر یعنی داشتن ظرفیتهای فکری و روحی لازم برای برخورد با کارهای بزرگ و آمادگی برای پذیرش حق حلم سبب بزرگی روح، همت عالی و اندیشه های بلند است. حلم و شرح صدر، بی حوصلگی و بی صبری را که سبب خرابی کارهاست از روح انسان می‌زداید و در عوض گشادگی و بلند فکری را به ارمغان می‌آورد

امام علی (ع) می‌فرماید: انسان در هر حال باید بر خود مسلط باشد، تنگ نظری، کینه توزی، دستپاچگی، سنگدلی، سستی، عصبی بودن و خشمگین شدن از حالاتی هستند که در افراد حلیم و بردبار کمتر پیدا می‌شود. (قاسمی، 1386)

6- عفو و گذشت: گذشت از بدیهای دیگران و اغماض و ندیده گرفتن آنها، آثار و نتایج ارزشمندی از حیث فردی و اجتماعی، جسمی و روانی، دنیوی و اخروی، در پی دارد.

7- پاسداری از ارزشها: ، پاسداری معنای وسیعی دارد، پاسداری از مرزها، پاسداری از ارزشها، پاسداری از جامعه اسلامی، پاسداری از نفس و... انسانها با پاسداری از نفس خود می‌توانند تابع اسلام و احکام خداوند باشند و وظیفه هر مسلمانی است که از اسلام و ارزشهای آن و ارزشهای فرهنگی جامعه خود دفاع کند.

8- عدالت در گفتار و عمل: بهترین دستوری که حاوی معنای عدالت باشد، همان مثل قدیمی فارسی است: «چیزی که بر خود نمی‌پسندی، برای دیگری مپسند».

عدالت را در صورتی می‌توان پیاده کرد که همه مصادیق و مجراهای آن با هم اجرا و عملی شود که علاوه بر توزیع امکانات و... به طور عادلانه، علوم عادلانه آموزش داده شود. یک استاد دانشجویان را باید با تفکر عدالت محور آشنا کند و به او یاد بدهد که اگر بخواهد جامعه ای را در دنیا سربلند کند و بهترین جامعه باشد باید به عدالت توجه کند و این منحصر به زمان و مکان خاصی نیست و این بهره هم دنیایی است هم اخروی. و برای یاد دادن این تفکر باید کسی در آموزش و پرورش باشد و اقدام کند که از لحاظ عملی عدالت محور باشد که خود لاقول شرایط عدالت را نقض نکند که از این نمونه فراوان موجود است.

معروفهای اجتماعی خاص دانشجویان:

- 1- همکاری با مسوولین 2- عفو و گذشت بر اشتباهات استاد و مسوولین 3- پاسداری از ارزشها
- 3- قدردانی از زحمات اساتید و مسوولین 5- خیرخواه بودن نسبت به همکلاسی ها و عدم بخل در کمکهای

درسی

معروفهای فرهنگی:

فرهنگ اسلام تنها فرهنگ غنی و پر باری است که برنامه های آن تمام شئون حیات انسانی را در بر می گیرد و نشأت گرفته از تعالیم پیامبران و وحی الهی است و اگر جامعه ای در بعد فرهنگی به این فرهنگ پربار متکی باشد نشان دهنده این است که فرهنگ این ملت رشد کرده و به کمالات رسیده است اما اگر این باورها، ارزشها و اعتقادات غنی را از جامعه بگیرند اینجاست که باید شاهد هجوم فرهنگ های پوچ و بی هویت بیگانگان شد و این تهاجم ثمری نخواهد داشت الا سقوط ج. امع و تمدنها. لذا با چنگ زدن به فرامین الهی و اجرای فریضه امر به معروف می توان آگاهی افراد را بالا برد و فکر و اندیشه انسانها را به زیبایی ارزشها و مکارم اخلاقی پیوند زد تا جامعه از سقوط انحطاط نجات یابد. (محبی، 1382)

معروفهای فرهنگی خاص برای (کارکنان و اساتید) عبارتند از:

1- انهدام زمینه های رشد فرهنگ باطل: با توجه به جایگاه بلند قرآن و اهمیت فرهنگ در اسلام، شناسایی عوامل، مظاهر و بازدارنده های انحطاط فرهنگی، از منظر قرآن دارای اهمیت بسزایی است. حضور جدی قرآن و اجرای هدفهای آن، در عصر حاضر جامعه های اسلامی را از تهاجم فرهنگی در امان می دارد. بنابراین بر کارکنان، اساتید و دانشجویان واجب و الزامی است که عوامل و مظاهر و بازدارنده های انحطاط غربی را بشناسند و با آن مبارزه کنند. با پژوهش در فرهنگ قرآنی می توان به تبیین قابل اطمینانی برای همه مذاهب و اندیشه های دینی دست یافت.

2- خوش لباس بودن و مطابق با فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی: متأسفانه بعضی از بی توجهی ها و بد حجابی ها در اثر بی توجهی به هویت انسانی است استاد، مدیر یا کارمندی که ارزش وجود خود را درک می کند هرگز حاضر نخواهد شد خود را به نمایش بگذارد لباس زیبا و با پوشش مناسب و در شان فرهنگ ایرانی و اسلامی از ضروریات مهم در دانشگاه می باشد و از ترویج فرهنگ غرب جلوگیری می کند و فرهنگ اصیل را اشاعه میدهد و

الگوی
می شوند برای دانشجویان 3- حضور در جلسات و مباحث مذهبی، علمی، اخلاقی 4- مبارزه با فرهنگ انحرافی غرب 5- ترویج فرهنگ ایرانی و اسلامی

معروفهای فرهنگی خاص دانشجویان:

1- پوشش مناسب و در شان دانشگاه: در جامعه دانشگاهی دانشجویان باید عفت عمومی را رعایت کنند، پوشیدن لباسهای بدن نما، مهیج و غیر رسمی در دانشگاه بدور از شان دانشگاه و مکان رسمی می باشد. قرآن کریم در موارد متعددی از مرز شکنی توسط انسانها گلایه کرده و همه را به حفظ حدود و عدم تجاوز از مرزها سفارش کرده است و نیز مرز شکنان را انسانهایی ستمگر می داند.

- 2- تلاش برای فراگیری علم و دانش به موازات اخذ مدرک: اگر دانشجویان در دانشگاه فقط برای فراگیری علم و دانش تحصیل کنند و پژوهش کنند دانشگاه به هدف خود می رسد اما چنانچه هدف مدرک گرایی شود باعث اختلال در هدف اصلی می شود و دیدگاه دانشجویان و دانشگاه به علم تغییر می کند.
- 3- متعهد به اجرای قوانین در دانشگاه: قوانین در هر جامعه ای برای حفظ آرامش و دوری از تنش بوجود آمده است. در دانشگاه هم یکسری قوانین وجود دارد که دانشجویان ملزم به اجرای آن می باشند.

معروفهای اداری:

مسئولیت و قدرت یکی از امانتهای الهی است که خداوند آن را در اختیار افراد می گذارد و اشخاص باید در ادای این امانت الهی تمامی سعی و کوشش خویش را بنمایند آنجا که حضرت علی (ع) می فرماید: مسئولیت برای تو وسیله آب و نان نیست بلکه امانتی است بر گردن تو و مسئولیت های اجتماعی، امانتی الهی و رجوع مردم به سوی مسئولین در مراتب مختلف اداری و سازماندهی یکی از نعمتهای خداوندی است که افراد مربوط به این امور باید قدر آنها بدانند و شکرش را بجا آورند و در ادای این امانت الهی از هیچ تلاش و کوششی مضایقه نمایند و از مسئولیت برای رسیدن به مطامع دنیوی استفاده نکنند. (مجبی، 1382)

پاره ای از معروفهای اداری که میتواند خاص کارکنان باشد:

- 1- انجام وظایف محوله 2- حضور به موقع در محل کار 3- فعالیت تا پایان وقت اداری 4- دقت و احتیاط در مصرف بیت المال 5- حذف افراد نالایق و بی تقوا از مسئولیت های کلیدی 6- عدالت و انصاف در برخورد با زیر دستان و ارباب رجوع 7- راهنمایی و توضیح لازم به مراجعه کنندگان 8- تسریع در انجام امور مراجعین 9- به روز کردن اطلاعات

معروفهای اداری خاص اساتید:

- انجام وظایف محوله 2- حضور به موقع در محل کار 3- فعالیت تا پایان وقت اداری 4- دقت و احتیاط در مصرف بیت المال 5- استفاده حداکثری از زمان در کلاس درس 6- اخلاق خوب و نیکو با دانشجو داشتن 7- به روز کردن اطلاعات علمی

معروفهای اداری خاص برای دانشجویان:

- 1- حضور به موقع در سرکلاس 2- صحبت نکردن با تلفن همراه در سرکلاس 3- خوب درس خواندن و اهمیت دادن به قوانین آموزشی (تقلب نکردن در امتحان) 4- دقت و احتیاط در مصرف بیت المال

معروفهای سیاسی:

معروفهای سیاسی که می تواند برای (کارکنان، اساتید و دانشجویان) مفید واقع شود عبارتند از:

1- تحلیل سیاسی داشتن و فریب دشمن را نخوردن: کارکنان و اساتید و دانشجویان اگر تحلیل سیاسی نداشته باشند باعث می شود که هر شایعه ای که دشمن در مورد از بین بردن انقلاب و کشور ایجاد می کند آنها قبول کنند و باورشان شود

2- تکیه نکردن بر ابرقدرتها: همانگونه که در قران سفارش شده مسلمانان نباید با ظالمان همدست و دوست باشند و بر آنها تکیه کنند

3- تعلیم و تحصیل آگاهی های سیاسی: با بررسی مسائل سیاسی و مطالعه نظریات سیاستمداران بشر، فهم افراد بالا می رود و موجبات شخصیت افراد فراهم می شود

4- حفظ دستاوردهای انقلاب و ارزشهای آن: حفظ ارزشهای انقلاب از آن نظر اهمیت دارد که بیانگر حیات و سلامت روان جامعه است و اولین گاه در راه حفظ ارزشها شناخت ارزش و فرآیند صدور آن از درون انسان و نیز شناخت حقیقت خود انسان و قابلیت های او در راستای حفظ ارزشهاست 5- پیروی از رهنمودهای ولی امر مسلمین.

مصادیق منکرات را می توان به منکرات اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، عبادی، فرهنگی، اداری و سیاسی طبقه بندی کرد.

منکرات اعتقادی:

قسمت مهمی از بیماریهای معنوی، اعم از شخصی و اجتماعی که موجب فسادهای گوناگون است از فقدان و یا سستی اعتقادات دینی ناشی می شود. زیرا یگانه معیار رفتارهای زشت و زیبا و توجیه بایدها و نبایدها، اعتقاد به خدا و دین است اگر خدا و دین در اعتقاد مردم از جایگاه خوبی برخوردار باشد ارزشها نیز تقویت شده و جامعه رو به تحول و تکامل اخلاقی می رود و در غیر اینصورت جامعه به سان گله ای رها و بدون چوپان می ماند که حریم و مرزی برای خود نمی شناسد. (مجبی، 1382)

منکرات اعتقادی برای کارکنان، اساتید و دانشجویان:

1- پای بندی به خرافات: در جامعه ای که به خرافات پایبند باشند زمینه های فساد جوانان فراهم می شود و فضائل اخلاقی و سجایای انسانی که در محیط خانواده در نهادشان پایه گذاری شده بود فرو می ریزد

2- گرایش فکری به کفار و غربی ها: حضرت علی (ع) به کمیل بن زیاد سفارش می کند: که از منافقین اجتناب کن و با افراد خائن رفاقت منما، بپرهیز از اینکه به خانه ستمکاران رفت و آمد داشته باشی و با آنان بیامیزی، بپرهیز از اینکه فرمانبردار آنها باشی

3- اصالت دادن به دنیا و بی اهمیتی به آخرت

4 - اعتقاد به عدم کارایی اسلام در امور کاری

5- اعتقاد به جدایی دین از سیاست: سیاستی که از دین جدا باشد آلوده است و سیاست دینی به همان اندازه مهم است که عبادت دینی اهمیت دارد.

منکرات اخلاقی برای کارکنان (مدیران و عوامل اجرایی) و اساتید:

- 1- تکبر: 2- دروغ 3- تهمت 4- سوء ظن 5- خشونت 6- عیب جویی از دیگران 7- کوچک شمردن گناه
 - 8- شهرت طلبی 9- شتاب زدگی 10- کج خلقی 11- منت گذاری
- منکرات اخلاق خاص دانشجویان:

- 1 - استفاده از علائم اقرار مبتذل و منحرف اخلاقی 2- کوچک شمردن گناه 3- سرگرمی به لهو و لعب 4- تهمت
- 5- دروغ

منکرات اجتماعی:

بررسی ناهنجاریها و مفاصد اجتماعی در طول تاریخ نشان می دهد که بشر درد تازیانة انحطاط اخلاقی را همیشه در تاریخ خانه جهل و نادانی بر کرده ای خود احساس کرده است. عدم آگاهی افراد اجتماع از حقوق یکدیگر، فقدان اعتقادات دینی عواملی هستند که باعث می شود ارزشهای اجتماعی زیر پا گذاشته شده و جامعه مغلوب هوای نفس و طبع حیوانی گردد. بنابراین برای اینکه اجتماع، از آلودگی و مفاصد به دور گردد لازم است که زمینه های لازم جهت مبارزه با عوامل فساد در جامعه تبیین گردد. (مجبی، 1382).

نمونه هایی از منکرات اجتماعی که برای کارکنان، اساتید و دانشجویان مورد نهی قرار گیرد

- 1 - مسخره کردن و استهزاء دیگران 2- بی حرمتی به دیگران خصوصاً بزرگترها 3- حيله، مکر، نیرنگ. کلاه گذاری 4- بد زبانی 5- ضایع ساختن حقوق و نوبت دیگران 6- سخن چینی و دو به هم زنی 7- پخش اخبار دروغ و شایعات 8- اهمیت ندادن به آداب و آیین اسلامی و فرهنگی 8- خیر خواه بودن نسبت به همدیگر در دانشگاه

منکرات عبادی:

عبادت قوی ترین و مهم ترین و سیله ای که می تواند انسان را به خدای متعال نزدیک کند و عبادتی که روح و نفس او را به مراحل بالای رشد و کمال برساند و از خط لغزش بازدارد پرستش و عبادت الله است.

برخی از منکرات عبادی که می توان کارکنان، اساتید و دانشجویان را از آن نهی کرد عبارتند از:

- 1 - سهل انگاری در عبادات واجب بویژه نماز، روزه و . . . حضرت محمد (ص) می فرمایند: کسی که نماز را سبک بشمارد از من نیست و قسم به خدا او در حوض کوثر من وارد نخواهد شد
- 2 - ریا در عبادت: حضرت علی (ع) می فرمایند قوام عبادت به خلوص نیت است

منکرات فرهنگی:

شکی نیست که استعمارگران برای دور کردن جوامع از ارزشهای اصیل چاره ای جز ترویج فرهنگ ابتذال و بیگانه پرستی ندارند. همگام با گسترش فساد و بیگانه پرستی و سست شدن بنیادهای ایمانی و اخلاقی جامعه ارزشهای ویژه فرهنگ غرب نیز در دل جامعه، ریشه می دواند، حقایق بلند و مقدسی چون غیرت، شجاعت، دوستی و . . . مفهوم خود را از دست داده و ساده زیستی، عفاف ایستادگی در برابر ستمکاران، کرداری ناپسند و مذموم به شمار

آمده و در مقابل رشوه خواری و ابتذال و... عنوان حق به خود می گیرد. بنابراین ایستادگی در برابر القائات فرهنگی بیگانگان و پاسداری باید از الگوها و فرهنگ غنی اسلام پیروی کند.

برخی از منکرات فرهنگی خاص کارکنان و اساتید که می توان آن را نهي کرد عبارتند از:

1- ترویج فرهنگ باطل غرب 2- طبیعی جلوه دادن معصیت 3- بی حجابی و بد پوششی 4- عرضه محصولات فرهنگی مغایر با شئونات جامعه اسلامی

برخی از منکرات فرهنگی خاص دانشجویان:

1- مدگرایی مبتذل و تقلید از کفار در لباس و قیافه 2- بی احترامی به استاد و مسوولین در دانشگاه
3- اهمیت ندادن به درس و علم و روحیه انقلابی 4- استفاده نادرست از تکنولوژی

منکرات اداری:

کاردانی هر انسانی از جهتی بستگی به سطح آگاهی از مقررات و قوانین در حدود پست و مقام او دارد هر گاه کارگزاری در هر مقام و پستی که باشد اطلاعات لازم را باید نسبت به مقررات و قوانین مورد نظر داشته باشد در غیر اینصورت جاهل به قانون بوده و چنین شخصی نا آگاهانه به مردم خیانت خواهد کرد. (محبی، 1382)
پاره ای از منکرات اداری که خاص کارکنان و اساتید می باشند به شرح زیر می باشد:

1- رشوه گیری 2- تبعیض های ناروا 3- سوء استفاده از موقعیت شغلی 4- کارشکنی 5- استفاده شخصی و غیر مجاز از امکانات دولتی 6- انتقام جویی از همکاران، مسوولین و دانشجویان 7- سکوت در برابر نقض قوانین از سوی نزدیکان، دوستان و اقوام مسوولین 8- برگزاری جلسات زائد و بی فایده 9- ارائه گزارشهای غیر واقعی و نادرست 10- برخورد های تند و خشن با مراجعه کنندگان 11- دیر آمدن بر سرکار 12- سرگردان کردن دانشجویان 13- بذل و بخششهای خارج از ضوابط قانونی و شرعی 13- انجام دادن کارهای غیررسمی و شخصی در هنگام انجام کارهای رسمی و غیر شخصی

منکرات اداری خاص دانشجویان:

1- رشوه دادن به کارکنان و اساتید برای سریع انجام دادن کارهای آنها و تغییر تصویر ذهنی خودشان در ذهن استاد 2- انتقام جویی از مسوولین و اساتید 3- دیر آمدن بر سرکلاس درس 4- برچسب زدن بر کارکنان و اساتید

منکرات سیاسی:

منکرات سیاسی که میتوان کارکنان، اساتید و دانشجویان را از آنها نهي کرد:

1- تحلیل سیاسی نداشتن 2- بزرگ نمایی امور منفی به گونه ای که سبب باورهای غلط، فریب و بدبینی افراد شود 3- تبلیغات به نفع دشمنان 4- عدم حضور در حرکتهاى سیاسى که ولی امر مسلمین آن را واجب میدانند

البته اینها همه منکرات و معروف های نیستند که می تواند در جامعه دانشگاهی عملی شود و در این مقاله به طور اختصار و کلیدی به آن اشاره شد.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک اصل مهم و واجب برای مسلمانان مورد تاکید قرار گرفته و بی تفاوتی نسبت به آن به همه ارکان جامعه آسیب می رساند. امر به معروف و نهی از منکر یکی از حقایق و درکنار حقیقت آزادی است. ابزاری است برای پاسداری از آزادی و جلوگیری از متعدیان به آزادی های معقول و مشروع انسانهاست. امر به معروف و نهی از منکر ابزاری است برای تحقق عدل فراگیر و اعمال و جریان و اثبات قانون عادلانه است برای دانشگاه به عنوان مرکزی آموزشی، صرفاً "انتقال معلومات هدف نیست. لازم است که در زمینه تربیت، گستره ای از انواع تربیت ها مطرح و مورد بحث واقع شود که تربیت فعال جوانان، تربیت صالح، تربیت همراه با تقوا، تربیت انسانی - اسلامی، تربیت مقدم بر تعلیم و تربیت متناسب با فطرت از جمله اساسی ترین زمینه های قابل توجه در این زمینه است. امر به معروف و نهی از منکر یک کار فرهنگی است که با ظرفیت خاصی باید انجام شود. بنابراین راهکارها و پیشنهادهایی در این زمینه ارائه می شود:

- 1- یکی از اساسی ترین راهکارها این است که بینش و نگاه برنامه ریزان به دانشگاه، باید بینش اسلامی باشد تا بتواند اصل مهم و واجب امر به معروف و نهی از منکر را عملی کنند.
- 2- اساتید نباید کوچکترین بی اعتنائی نسبت به مسائل فرهنگی از جمله امر به معروف و نهی از منکر داشته باشند و خود باید به مصادیق معروفها و منکرات عمل کنند تا الگو شوند برای دانشجویان
- 3- برای رسیدن به یک دانشگاه اسلامی و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر باید مدیرانی در راس کار قرار گیرند که افراد علمی و ارزشی توامان باشند. در ضمن مومن به کارهای فرهنگی باشد.
- 4- نکته دیگر تغییر در ظواهر فضای دانشگاه است. در واقع سیمای دانشگاه بی اثر نیست و بهینه سازی وزینا سازی فضای دانشگاه، اثر مطلوبی دارد. علاوه بر زیبا سازی، چهره اسلامی هم به فضا داده شود؛ یعنی هنگامی که شخصی

- 5- وارد فضا می شود در عین اینکه فضا زیباست الهام بخش مسائل اسلامی و معنوی هم باشد.
- 6- احترام متقابل بین استاد و دانشجو و کلیه اقسام دانشگاهی به عنوان یک اصل، توسعه یابد به خصوص از طریق برای مدیران.

- 7- اصل عبرت گیری از خطا اساس برخورد تربیتی در امور فرهنگی باشد. به جای کشف خطا و حذف نیروها در این اصل، سعی بر این است که علل اصلی بروز خطاها کشف گردیده و تلاش گردد تا از طریق بالا بردن سطح دانش و فرهنگ و ایمان افراد از خطاها پیشگیری گردد.

- 7- اصل هماهنگی، در حرکت مورد توجه خاص قرار گیرد. هر گونه تضادی در حرکت بین نیروها موجب افت سرعت و کیفیت فعالیت های مربوط به امر به معروف و نهی از منکر می گردد. از این جهت لازم است استراتژی روشها و خط مشی ها مورد توافق قرار گیرد.

- 8- اصل تعامل فرهنگی، لازم است اثرات مخرب فرهنگ بیرون دانشگاه و همچنین فرهنگ افراد ورودی به دانشگاه، بر حرکت عمومی دانشگاه مورد توجه قرار گیرد. زیرا تهاجم فرهنگی دشمن، در محیط بیرون دانشگاه،

مرتبا" بر نیروهای درونی تاثیر می گذارد. لذا حرکت فرهنگی - اجتماعی جامعه بر شاخص های فرهنگی دانشگاه تاثیر گذارده، از این جهت دانشگاه نمی تواند صرفاً" مانند یک جزیره عمل نموده و با محیط اطراف خود در تعامل نباشد.

9- توجه به فعالیت های عمومی فرهنگی مانند نمازجماعت، سخنرانی های مذهبی و علمی پیرامون اخلاق اسلامی و آموزش ها

10- یکی از شیوه های کاربردی در امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه را می توان کنترل معقول و منطقی متقابل از سوی مدیران، کارکنان و اساتید نام برد. مدیران و مسولان در دانشگاه باید هنجارهای فرهنگی، دینی و تشکیلاتی را که به عنوان معروفهای دانشگاهی شناخته می شوند را ملکه ذهن و متبلور در رفتار خود، کارکنان و دانشجویان کنند چراکه وقتی هنجارها باور درونی افراد شوند دیگر درباره درستی یا نادرستی و یا شایستگی و ناشایستگی هنجارها، تردیدی روا نمی دارند و در این صورت به خودی خود، از معروفها پیروی خواهند کرد، و دیگران ناظر رفتارشان باشند یا نباشند، وجدانشان، بهترین ناظر رفتار آنها به شمار خواهد آمد.

11- اعضای هیئت علمی با پیوند زدن مباحث علمی با زمینه های دینی و اجتماعی (در حد ممکن) و فراهم سازی انواع زمینه ها و فرصتهای عملی مناسب در خلال برنامه های درسی و آموزشی و فعالیتهای دروس مختلف (به تناسب و اقتضای دروس) می توانند به تربیت دینی و اجتماعی دانشجویان و مخاطبان خود و همچنین، تحقق رسالت تربیت دینی و به خصوص اجتماعی دانشگاه کمک کند.

فهرست منابع

- الوانی، مهدی (1368)، مدیریت عمومی، نشرنی، تهران.
- بسیج، احمدرضا؛ بیگی، علی اصغر؛ برجسیان، رسول؛ جعفری نژاد، مسعود؛ حسینی، سیدباقر؛ کریمی مرزبان؛ جوانبخت، علی (1387)، نظارت نخبگان در شناخت امر به معروف و نهی از منکر، سدره المنتهی، شهرکرد.
- تقوی دامغانی، سید رضا (1379)، نگرشی بر مدیریت اسلامی، نشر تبلیغات اسلامی، تهران
- حیدری تفرشی، غلامحسین. یوسفی سعد آبادی، رضا. خدیوی، اسدالله (1381)، نگرشی نوین به نظریات سازمان و مدیریت در جهان امروز، انتشارات فراشناختی اندیشه، تهران
- رهبر، محمد تقی. رحیمیان، محمد حسن (1387) جهاد با نفس، سایت اخلاق
- www. akhlagh. net
- صادقی زاده، حمیدرضا، کوچکی، سیدمحسن (1387)، نماد مهر، گلستان ادب، چاپ یازان، قم.
- علاقه بند، علی (1379)، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، نشر روان، تهران.
- غیائی ندوشن، سعید؛ اقارب پرست، محمدرضا (1387)، با دانشگاه بهتر آشنا شویم، وزارت علوم، تهران.
- قاسمی، مهدی (1386)، سیمای مدیران در آیینه نهج البلاغه، سایت درگاه پاسخگویی به مسائل دینی
- www. porsojoo. com
- قزائتی، محسن (1386)، امر به معروف و نهی از منکر، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران.
- محبی، میلاد (1387)، رازداری، شرط ایمان، سایت شمس ولایت
- www. shamsevelayat. com
- محبی، خداداد، برزگر، ح (1382)، مصادیق معروف و منکر در سازمان، نسل کوثر، تهران.
- محمدی اشتهاری، محمد، (1386)، چشم اندازی بر شجاعت و صلابت حضرت علی (ع)، سایت سراج

www.seraj.ir

مسعودی، محمداسحاق (1386)، با همکاری ستاد امریه معروف ونهی از منکر، آموزش ملی امریه معروف ونهی از منکر، پیام آزادی، تهران.

معاونت فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران (1386)، قردادانی، سایت فرهنگی

www.farhangi.isaar.ir

منصوری، بهمن (1383) نظارت همگانی یا: امر به معروف و نهی از منکر، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی و معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی، تهران.

معاونت فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (1386)، سندهاداف، راهبردهاوبرنامه های معاونت فرهنگی واجتماعی وزارت علوم، وزارت علوم تحقیقات ونوآوری معاونت فرهنگی واجتماعی، جمیل، تهران.

همایش ملی شهروند مسئول